

پاکستان و همکاری در روند صلح افغانستان

سرمقاله

پولیس و ضرورت آشنایی آن با مسؤلیت های اخلاقی

حفیظ الله ذکی

دیروز وزارت داخله کنفرانس دو روزه ای را به منظور تقویت همکاری میان پولیس و مردم و توجه افسران پولیس به تطبیق قانون و نظم جامعه و نیز رعایت آگاهانه حقوق شهروندان از سوی افراد پولیس برگزار شده بود. هدف از تدویر این کنفرانس فراهم سازی زمینه ارتباط نزدیک مردم با پولیس خوانده شده است. این که پس از پایان کنفرانس اشتراک کنندگان چه طرح ها و برنامه هایی را برای بهبود روابط مردم با پولیس ارایه خواهند داد و این پیشنهادها تا چه حد مورد اهمیت مسؤلان بلند پایه قرار خواهند گرفت و در جهت عملیاتی ساختن آنها تلاش خواهند شد معلوم نیست؛ اما در افغانستان متأسفانه تدویر چنین کنفرانس های بیشتر جنبه نمایشی و تشریفاتی داشته و در موقعیت های خاص مورد توجه قرار می گیرد.

بحث رابطه و همکاری مردم با پولیس یکی از مهمترین مباحث این روز جامعه افغانستان به شمار می آید. وقتی ساختار امنیتی در کشور تحت تأثیر جنگ های بیرونی و درونی از تهدید ویران گردید، دیگر پولیس و وظایف و مسؤلیت های ملی آن نیز به پوته فراموشی سپرده شد. دیگر نه پولیس به معنای واقعی کلمه در افغانستان وجود داشت و نه انتظار برخورد های اخلاقی از آن در جامعه وجود داشت. در این دوره مفهوم پولیس متحد نیروهای تنظیمی، قومی و حتا منطقه ای تقلیل پیدا کرده بود و پولیس تنها خود را وفادار به یک شخص، گروه و قوم می دانستند و در برابر دیگر اقوام و مناطق همانند دشمن رفتار می کردند.

با ایجاد ساختار جدید سیاسی بر مبنای اصول و ارزش های دموکراسی، اگرچه تأکید می شد که ساختارهای امنیتی باید از ترکیب همه اقوام و مناطق کشور شکل بگیرد و پولیس باید وظایفش را در سطح ملی به مرحله اجرا بگذارد؛ اما این امر در عمل با مشکلات بسیاری مواجه گردید. استقرار نیروهای بجا مانده از ساختارهای ناقص و ناکارآمد قبلی و زیاده خواهی های قومی برخی مقامات که همچنان به عنوان مانع بزرگ در مسیر دموکراسی به شمار می رفت، نگاه قوم مدارانه را در جلب و جذب نیروهای امنیتی کشور برجسته ساخت. این مسأله خود بخود بی اعتمادی مردم را از سازمان ها و نیروهای امنیتی کشور افزایش داد و روند همکاری مردم با پولیس را با اشکال مواجه کرد. امروزه اما شهروندان کشور با این که از برخوردهای تبعیض آلود مسؤلان امنیتی، ناراضی به نظر می رسند؛ ولی به هر حال تمام نیروهای موجود در ساختارهای امنیتی کشور را جزو نیروهای امنیتی کشور می دانند و با همین نگاه از آنها حمایت می کنند.

متأسفانه در اثر جنگ و درگیری های مداومی که بر نیروهای امنیتی در طول سال تحمیل می شود، به آنان کمتر فرصت می دهند تا در باره مسؤلیت های اخلاقی پولیس و سایر نیروهای امنیتی کشور بیندیشند؛ اما باید پذیرفت که سازمان های امنیتی نیز طی سالهای گذشته از این امر مهم غفلت ورزیده و کمتر به وظایف و مسؤلیت های اخلاقی نیروهای امنیتی تکیه کرده اند. در حال حاضر بسیاری از سربازان حتا نمی دانند که در برخورد با شهروندان در موقعیت های متفاوت چه رفتارهایی باید داشته باشند.

در شرایطی که جنگ و درگیری در کشور جریان دارد، این وظیفه سازمان های امنیتی است که افراد شان را نسبت به وظایف اخلاقی شان آشنا سازند. نحوه برخورد نیروهای امنیتی با مردم در صحنه های جنگ، تأثیرات زیادی در دوری یا نزدیکی آنان از حکومت و نیروهای امنیتی داشته است.

در حال حاضر پولیس های بین شهری که به حیث نیروهای امنیتی داخل شهری ایفای وظیفه می کنند و یا به حیث ترافیک، عبور و مرور موترها را کنترل و نظارت می کنند؛ بسیار اندک از مسؤلیت های اخلاقی شان آگاهی دارند. برخی از این نیروها نه تنها به تطبیق قوانین در جامعه توجه ندارند که خودشان عملاً قوانین را نقض می کنند و از زور مندان حمایت کرده و بر مظلومان ستم روا می دارند. از اینرو تدوین یک مقرره جداگانه که نیروهای امنیتی را به وظایف اخلاقی شان آشنا بسازد از اهمیت زیاد برخوردار می باشد.

وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا با مشاور روابط خارجی نخست وزیر پاکستان دیدار نموده است و گفته است که همکاری پاکستان برای تأمین صلح در افغانستان مهم است. جان کری، وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا گفته است: «ما از حکومت پاکستان برای رویکردش در کار عملی سازی برنامه اقدام ملی و ریشه کن کردن توانایی های گروه های شورشی در کار سربازگیری، تمویل و برانگیختن خشونت، ستایش می کنیم.» پاکستان در هفته های اخیر حملات خود را بر مواضع گروه های شورشی در داخل خاک پاکستان آغاز نموده است. در عین حال، بعد از نشست چهار جانبه این کشور از گروه های شورشی و مسلح افغانستان خواسته است نماینده های با صلاحیت خود را معرفی و به محل گفتگوی مستقیم با حکومت افغانستان بفرستند. گروه طالبان تا هنوز واکنش خود نشان نداده است.

دیدار جان کری با مشاور روابط خارجی نخست وزیر پاکستان در واقع امری در برای تشویق بیشتر پاکستان برای سهم گرفتن در روند صلح افغانستان است. در ظاهر امر، ممکن است چنین به نظر برسد که اقدامات پاکستان مبنی بر حمله بر مواضع گروه های شورشی در داخل خاک پاکستان امری در راستای آوردن صلح در افغانستان محسوب شود. اما براساس گفته های احمد رشید، روزنامه نگار پاکستانی حکومت پاکستان افغانستان را هدف قرار نداده است بلکه تنها گروه های را مورد حمله قرار داده است که امنیت پاکستان را تهدید می کند. از این جهت، حملات نیروهای نظامی پاکستان علیه گروه های شورشی کمک به روند صلح افغانستان نمی کند.

حملات پاکستانی بر مواضع گروه های شورشی در خاک این کشور منجر به تشدید جنگ در افغانستان شده است. زیرا، تعداد زیادی از اعضای گروه های شورشی پاکستان به خاک افغانستان آمده است و از سوی گروه های شورشی افغانستان

مورد استقبال قرار گرفته است. شورشیان پاکستان در جنوب شرق افغانستان جا داده شده است و در ساحت نفوذ گروه طالبان ساکن شده است. وزارت دفاع ملی ریاست عمومی امنیت ملی بارها گفته است که در میدان جنگ و در صفوف گروه طالبان جنگجویان پاکستانی نیز حضور دارد. در جنگ ولایت بغلان میان نیروهای امنیتی و گروه طالبان جنرال مراد از حضور جنگجویان پاکستانی سخن به میان آورد. این جنگجویان در واقع شورشیان فراری پاکستان است که بر اثر حملات نیروهای نظامی پاکستان خاک این کشور را ترک نموده است و در افغانستان دوشادوش گروه طالبان علیه نیروهای امنیتی افغانستان می جنگد. بنابراین، اقدامات داخلی پاکستان علیه شورشیان تا هنوز هیچ کمکی به روند گفتگوی صلح در افغانستان ننموده است.

تا هنوز هیچ یک از اعضای بلند پایه گروه طالبان دستگیر نشده است. چهار دور گفتگوی چهار جانبه میان افغانستان، ایالات متحده آمریکا و چین برگزار شد اما گروه طالبان حملات مرگبار خود را در فصل سرد زمستان قرار

رحیم حمیدی



نبره های امنیتی افغانستان ادامه دادند. به دیگر سخن، در زمانه ای که گفتگوی چهار جانبه جریان داشت آن ها حملات خود را در مناطق مختلف کشور شدت بخشیدند. در زمستان کنونی، به ولایت هلمند حمله مرگبار نمودند. برای چند هفته نیروهای امنیتی افغانستان را در محاصره قرار دادند. حملات ایسن گروه در ولایت بغلان تلفات سنگین وارد نمودند. حضور یزیدزاده آن ها موجب جنگ یکماهه شد. کابل، پایتخت کشور در حدود یکماه در تاریکی به سر برد. این در حالی است که بر اساس گزارش ها، مواد تدارکاتی گروه طالبان از خاک پاکستان آورده می شود. طالبان بخش زیادی از مواد مورد نیاز خود را کشور ای دیگر همانند کشور های حوزه خلیج فارس تهیه می کند و بخش شان را از خاک پاکستان خریداری کرده و وارد پاکستان می کند. وارد شدن تدارکات گروه طالبان از خاک پاکستان نقش برجسته در تداوم جنگ در افغانستان داشته است. در واقع، جنگ بدون امکانات ممکن نیست. پاکستان ممکن مواد غذایی، اسلحه و پوشاک در اختیار گروه طالبان قرار

این حال، پاکستان تنها گزینه برای گروه طالبان برای فروش مواد مخدر نیست. در سال های اخیر کشور های آسیایی میانه نیز بازار گروه طالبان برای فروش و قاچاق مواد مخدر شده است. گروه طالبان با همکاری جنبش اسلامی ازبکستان تریاک را به کشور های آسیایی میانه انتقال می دهد و از آن ها به کشور های مختلف توزیع می کند. بنابراین، پاکستان و تمام کشور های همسایه افغانستان با تشدید برنامه های مبارزه با مواد مخدر می تواند به روند صلح افغانستان کمک نماید. این در حالی است که این مسئله در روند دستیابی به صلح هم در سطح داخلی و هم در سطح منطقه ای مغفول مانده است.

ما برای کاهش سطح خشونت و وادار نمودن گروه طالبان و دیگر گروه های شورشی به صلح نیازمند به کاهش فساد در سطح ادارات و نهاد های امنیتی کشور می باشیم. از امکان مبارزه با کشت و مواد مخدر ممکن گردد. در مرحله دیگر، نیازمند هماهنگی در میان کشور های منطقه می باشیم. مبارزه هماهنگ شده و مشترک کشور های همسایه علیه کشت و قاچاق مواد مخدر امکان رسیدن به صلح را ممکن می گرداند. در پایان این نوشتار باید گفت که آمریکا و پاکستان تلاش می ورزد تا پاکستان و افغانستان را تشویق نماید که با همدیگر نزدیک گردند و نزدیکی آن ها منجر به دست یابی به صلح گردد. با این حال، اقدامات پاکستان هیچ کمکی به روند صلح ننموده است. اقدامات داخلی آن ها منجر به متواری شدن شورشیان پاکستان به خاک افغانستان شده است و صفوف گروه طالبان را تقویت نموده است. در عین حال، پاکستان لانه های شورشی گروه طالبان را مورد حمله قرار نداده است. در عین حال، گروه طالبان موارد تدارکاتی خود را از خاک پاکستان به داخل افغانستان می آورد. پاکستان در این زمینه هیچ اقدامی نکرده است. لازم است تدارکات گروه طالبان از خاک پاکستان قطع گردد. مبارزه مشترک علیه کشت و قاچاق مواد مخدر صورت گیرد.

دیروز قهرمان، امروز بربر هنگامی که جهادگران دوستان ما بودند

منبع: لوموند دیپلماتیک / قسمت اول



الجزایری، که گروه «للقاعده در مغرب اسلامی» (AQMI) که اخیراً مسئولیت حمله علیه هتل اسپلندید اوتاکادگو در بورتوینفاسو را به عهده گرفت نیز برای بیرون راندن افغان های متحد اتحاد شوروی در پایان سال های دهه ۱۹۸۰ «افغان» نامیده شده است. پس از آن، اینها برای تسخیر الجزایر بازگشت (الجزایری هایی که همان مسیر را پیمودند «افغان» نامیده شدند و سپس به القاعده پیوستند). از اینها و بسیاری دیگر، تا زمانی که در خدمت نیات راهبردی غرب بودند، حسن استقبال می شد. پس از آن، اینها بر علیه غرب اقدام کردند. تصویری از مطبوعات اروپایی با آمریکایی از انگیزه ها، بنیادگرایی مذهبی و سببیت آنها ارایه کرد همه چیز را تغییر داد.

گفتنمان و تصاویر ساده نگرانه شمار زیادی از مطبوعات فرانسوی - از مجله فیگارو تا نوبل ایزرتاور - نشان می دهند که تا چه حد همه آنچه که در ستایش و جلب محبوبیت برای مبارزه علیه «امپراتوری شر» (تعبیری که رونالد ریگان در مورد اتحاد شوروی به کار می برد) اکنون تبدیل به منشأ انزجار و هراس شده است. بین سال های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۸، بهره گیری از «رزمندگان عقیدتی» علیه ارتش سرخ تشویق می شد. از دهه پس از آن، به پسرعموهای عقیدتی ایشان در الجزایر (گروه مسلح اسلامی - GIA) و دربی آن طالبان در افغانستان و در دوران اخیر القاعده و سازمان حکومت اسلامی (داعش)، برچسب «متعصب»، «خداجویان دیوانه» و «بربر» زده شد.

عضو موسس پیمان ائتلتیک شمالی انا توآ، را چیت می داد. به نظر می آید که اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ در دسامبر ۱۹۷۹، یک فرار به جلو از سوی مسکو بود. این کار فعلی جدید در جنگ سرد بین دو بلوک گمشود. نبرد مجاهدین («رزمندگان عقیدتی» که به جهاد پرداخته بودند) افغان چون موهبتی آسمانی برای رودرویی با بلند پروازی های سلطه طلبانه اتحاد شوروی به نظر رسید و غالباً به عنوان یک حماسه از آن ستایش می شد.

اهمیت چندانی نداشت که تقریباً همه این رزمندگان قهرمان تلقی شده، مسلمانان سنتی و حتی بنیادگرا بودند. در آن زمان، مذهب الزاماً یک عامل وابستگی شناخته نمی شد مگر آن که مانند ایران به مخالفت با منافع غربی برخیزد. ولی این امر نه در مورد لهستان کاتولیک پرورده شده توسط پاپ ژان پل دوم، اسقف پیشین کراکف صادق بود و نه البته در مورد افغانستان. در نتیجه، اولویت ژئوپولیتیک این بود که این کشور برای اتحاد شوروی همانی شود که وینام برای ایالات متحده بود. روایتی تقریباً یکتا در رسانه ها، در طول سال ها از مجاهدین تمجید می کرد و طغیان آنها را به عنوان یک شورش روستایی درخور التفات و ناشی از ایمان معرفی می نمود. این روایت به ویژه جایگاه و زندگی زنان افغان را از مجرای گرایش جوهر گرا، ساده دلانه (و گاه خوشدلانه) سنت های مردمی تعریف و تعیین می کرد.

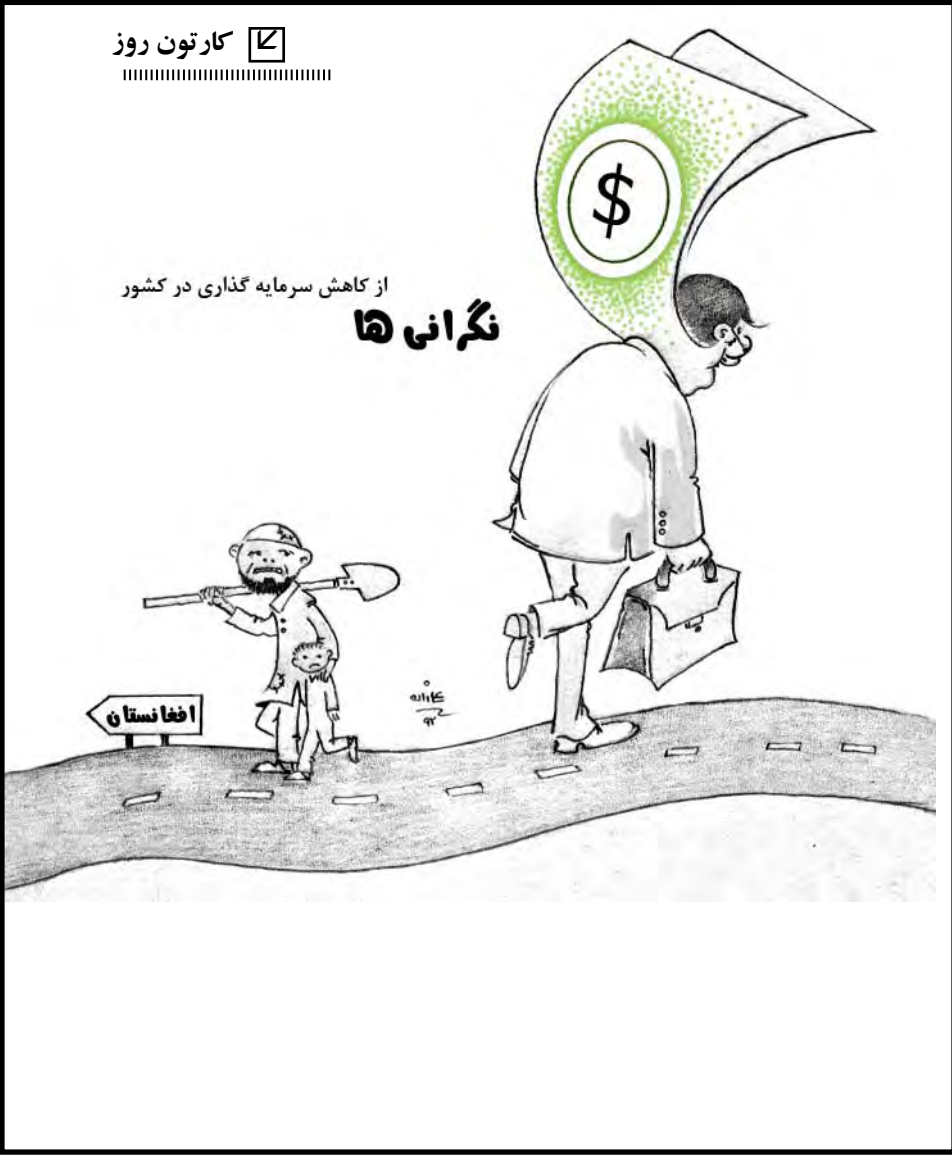
سی و پنج سال بعد، بازگشت به این

تأیید می کرد. وظیفه مداخله «باید فکر کرد، باید فکر کردن به این را پذیرفت که، مانند همه مقاومت های سراسر دنیا، افغان ها تنها در صورتی بخت پیروزی دارند که سلاح داشته باشند، آنها نمی توانند جز با خمپاره انداز از پس تانک ها برآیند، آنها تنها با «سام ۷» می توانند با هلیکوپترها مقابله کنند، آنها در صورتی می توانند بر ارتش اتحاد شوروی پیروز شوند که سلاح های دیگری جز آنچه موجب خشونت ارتش سرخ است داشته باشند. خلاصه، با آن که غرب هنوز هم کمک کردن به آنها را می پذیرد (...) به نظر من ما امروز در موقعیتی هستیم که خیلی با موقعیت زمان جنگ اسپانیا متفاوت نیست (...). در اسپانیا وظیفه مداخله وجود داشت، وظیفه ما به میدان گذاشتن (...) به باور من امروز افغان ها تنها در صورتی بخت پیروزی دارند که ما بپذیریم باید درامور داخلی آنها دخالت کنیم» (برنارد هاتری لوی ۷، اخبار شامگاهی تلویزیون TF1، ۲۹ دسامبر ۱۹۸۱).

برنارد هاتری لوی پس از سوء قصد های ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نیز با همان شدت از مداخله غرب در افغانستان حمایت کرد. مانند دوران مقاومت در فرانسه «برای آن که به افغان ها امکان داده شود که با افغان ها صحبت کنند، مانند دوران اشغال آلمان نازی» در فرانسه، که فرانسوی ها با فرانسوی ها گفتگو می کردند، کمیته حقوق بشر تصمیم گرفته به مقاومت افغان کمک کند تا رادبویی در قلمرو خود بسازند؛ رادبوی کابل آزاد. یک سال و نیم پیش، ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ (...) یکی از اولین قدرت های جهانی، کشور ضعیف و بدون دفاع همسایه را اشغال کرده بود (...). فننگ های قدیمی مخفی شده در زیر بسته های کاه از صندوق های بیرون آمد. مقاومت با سلاح های نامناسب به پا خاست» (مارک هالتر، لوموند، ۳۰ ژوئن ۱۹۸۱).

در اینجا، مارک هالتر به بندی مشهور از «آواز پارتیزان ها، اسرود مقاومت فرانسه: فننگ ها، مسلسل ها، نارنجک ها را از کاه بیرون بیآورید» اشاره می کند. نبرد همه قربانیان تمامیت خواهی (توتالیتاریسم) کمونیست ها و فاشیست ها است» (ژان داتیل، نوبل ایزرتاور، ۱۶ ژوئن ۱۹۸۰).

«ارتش سرخ حمله کرد، مانند برلن، مانند بوداپست» «شوروی اروس با باید بیرون بروند» کابلی های مسلمان و غیر کمونیست فراموش نکرده اند.



روزنامه افغانستان The Daily Afghanistan Outlook AFGHANISTAN The Leading Independent Magazine

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله ذکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده
دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلاص
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷